

## رابرت اون بنیادگذار تعاون و روابط انسانی

دکتر امیر آشفته تهرانی

در انگلستان با پیدائی انقلاب صنعتی و گسترش مراکز فرآوری ماشینی، کارگران، روستائیان و پیشه‌وران برای جستجوی کار بشهرها و معادن و مراکز صنعتی روی آوردند. در این دوران امکان فرصت بررسی درباره حقوق و امتیازات کارگران بدست آمد. نخستین کسی که وضع کارگران را در محیط کار، مورد توجه و واری قرار داد رابرت اون از کارفرمایان انگلستان بود. در دوره انقلاب صنعتی، دگرگونی‌های بنیادی و همه سویه، زندگی مردم اروپای غربی را دربر گرفت. پیش از سایر کشورها، انگلستان و سپس فرانسه باین راه نوین افتادند و گام‌های بلند و پرشتاب برداشتند. بکارگرفتن نیروی بخار در فرآوری، گنجایش فرآوری را بسیار زود افزایش داد و به موازات آن دگرگونی‌های ریشه‌دار اجتماعی آغاز گشت. روابط اجتماعی تازه‌ای بر پایه فرآورش نوین بمیان آمد. گستردگی توده میانه (بورژوا) در کنار توده اشرافی بزرگ مالکان لزوم این دگرگونی را آشکار میساخت. ماشین‌های اختراعی و مراکز صنعتی، بنیادهای کهن را فرو ریخت، مرز شهرها و روستاها را برمی‌نهادخت تا آنجا که برتری و تسلط اشراف را از هم پاشید، نفوذ کلیسا را کم کرد و بنیاد خانواده را سست نمود و شهروندی را گسترشی افزون بخشید.

انقلاب صنعتی در جامعه‌های اروپائی دو طبقه جدید بوجود آورد:

۱ - سرمایه‌داران و دارندگان کارخانه‌ها و مدیران

۲ - کارگران یا طبقه کارگر

این دو طبقه در اجتماع آن روز موجب دگرگونی‌های شگرف شد. گسترش صنعت در

تیمه دوم سده هیجده و سالهای آغاز سده نوزده موجب کوچاندن میلیونها نفر از روستائیان سوی شهرها گردید، بدانسان که نسبت جمعیت روستائین به شهرنشین تغییر یافت. انبوهی کارگران در شهرها، مسائل اجتماعی نوینی بیار آورد، از جمله میتوان تهیلمتی کارگران و حکومت «قانون مفرغ دستمزدها» و پیروی آنان از قانون عرضه و تقاضای کار و سرانجام کمگشتگی این طبقه در میان تودههای انبوه شهرنشین را برشمرد. حال آنکه پیشتر از آن، روستائی ساده در زادگاه خویش و در خانواده و زمین خود زندگی آسوده و آرامی میگزراند. وانگهی افزایش همیشگی جمعیت، موجب انبوهی نیروی کار میگت و وضع را دشوار میساخت.

در این هنگام (۱۷۸۹)، فرانسه دستخوش انقلابی بزرگ گردید، و در انگلستان نیز انقلابی آرام و بیگرن جریان داشت. کاربرد نیروی بخار و افزارهای مکانیکی نوین، کارگاههای دستی را به کارخانه مبدل میساخت و بنیان اقتصادی جامعه را دگرگون می کرد. دوره افزایش فرآوری شکوفان می شد و تقسیم جامعه به سرمایه داران و کارگران تنگت باشتاب هرچه بیشتر انجام میگرفت. در همین اوان، توده متوسط شهرنشین، زندگی بی تحرک گذشته را رها کرد و به گونه توده بی آرام پیشه وران و سوداگران کم سرمایه درآمد. شیوه نوین فرآوری ناسنجیده کالاها، برآیندهای زیان آمیز اجتماعی پدیدار ساخت آجتان که توده های سرگردان، در خانه های پست و کوی و گذرهای دور از بهداشت شهرها، روزافزون شدند.

این فرگشتها، موجب آرمیان رفتن سنت های اخلاقی، سستی روابط خانوادگی، نافرمانی نوجوانان و جوانان در برابر پدر و بزرگتر خانواده، و گسترش نابکارها در میان زنان و کودکان گردیدند. کوچیدگان و روستائیان که از روستاها و مراکز کشاورزی به کارگاههای صنعت جدید پیوسته بودند بزودی در این گرداب افتادند. و سرانجام، میلیونها نفر گلهوار در اماکن خراب و دودزده لندن و سایر شهرها با تهیلمتی و تباهی و نایکاری و آرمگتی دست به گریبان شدند!

کاربرد افزارهای مکانیکی یا بهتر بگوئیم گسترش ماشین همبجا با تهیلمستی و بینوائی اکثریت چشمگیر، و آسایش اقلیت بسیار ناچیز همراه بود. انقلاب صنعتی، بنیادهای صحای میانه را از میان برده بود، ولی هرگز، بهشت موعود فیلسوفان و نویسندگان پیش از انقلاب بزرگ فرانسه همچون منتسکیو<sup>۲</sup> و ولتر و ژان ژاک روسو<sup>۳</sup> را ارمغان

۱- چارلز دیکنز نویسنده نامدار انگلیسی در آثار خویش به تشریح و توصیف این اوضاع

و احوال پرداخته است. از جمله، در کتاب «داوید کاپرفیلد»

نیارود. «رعیت قرون وسطائی (serf) به بردهٔ صنعت نوین تبدیل شد و پول دورهٔ سرمایه‌داری برجای شمشیر مالکان بزرگ سده‌های میانه نشست».

صنعت پس از چیرگی بر قلمرو ملی و انباشته کردن بازار داخلی از فرآورده‌های گوناگون، مرزها را زیر پا می‌گذاشت و به دیگر سرزمینها نیز سراریر می‌شد. از این روی، در برخورد با منافع نیروهای صنعتی، دیگر نبردهائی سخت و بی‌مانند رخ داد. روشن است که تأثیر این جنگها در داخل، روسوی توده‌های زحمتکش بود و همین توده‌ها بودند که هزینهٔ لشکرکشی‌ها و پیروزی‌ها و تاوان شکست‌ها را می‌پرداختند؛ و بحران و بیکاری ونداری زائیدهٔ هر جنگ، جز بسوی توده‌های زحمتکش راهی بجائی نمی‌برد. کوتاه سخن آنکه، با پیدائی انقلاب صنعتی و افزایش میزان تولید، سطح زندگی مردم میانه روزگار، کاهش بسیار یافت و تنگدستی بیشتری گریبانگیر آنان شد. خونریزها و بیدادگریهای فئودالها، جای خود را به سودجوییهای سرمایه‌داری داد. تا آنجا که مصالحان اجتماعی و اندیشمندانی چون سن‌سیمون و سیموند دوسی‌موندی بسانی که بازگو شد، و رابرت اون انگلیسی و فوریه<sup>۲</sup> فیلسوف سوسیالیست فرانسوی که برنامه‌ریز جامعه‌های تعاونی بنام «فالانستر»<sup>۳</sup> بود، به درمان دردهای جامعهٔ اوایل سدهٔ نوزدهم اروپا کمر بستند. سوسیالیست‌های انقلابی میانهٔ سده نوزدهم تا اندازه‌ای بسیار، از اندیشه‌های اینان الگو گرفتند و شیوه پذیرفتند.

شادروان دکتر بهاء‌الدین بازارگاد مؤلف کتاب «مکتب‌های سیاسی و فرهنگ مختصر عقاید و مرام‌های سیاسی» مینویسد:

«رابرت اون» را که یکنفر مؤسس و صاحب کارخانه بود و مجاهدت بسیار در بهبود احوال کارگران نمود پایه‌گذار سوسیالیسم نوین میدانند و عقاید کارل مارکس از طرح‌های «اون» ریشه گرفته که آنرا در کارخانهٔ خود معمول ساخت و لسی نتوانست عقاید و طرح خود را شکل داده به صورت سوسیالیسم امروز معرفی کند و این کار را بعدها مارکس برعهده گرفت. عقاید و طرح‌های «اون» را که در بهبودی احوال کارگران انگلستان مؤثر افتاده و منجر به وضع چند قانون از پارلمان انگلیس بنفع کارگران گردید اون‌سیم مینامند...»<sup>۴</sup>

۱- تاریخ عقاید اقتصادی ترجمه دکتر کریم سجایی

2- Charles Fourier (1772 - 1827).

۳- Phalanstère فوریه هر فالانستر را محل سکونت و زندگی یک جمعیت تعاونی قرار داده بود.

۴- دکتر بهاء‌الدین بازارگاد: «مکتب‌های سیاسی» (از انتشارات اقبال) - چاپ سوم -

## انقلاب صنعتی و اتحادیه‌های کارگری

باگسترش انقلاب صنعتی، رشد اقتصادی جامعه‌های اروپای باختری افزایش یافت و سرانجام، سرمایه‌ها متمرکز شد و بدنبال آن کارخانه‌ها و سازمانهای فرآوری بزرگ بیار آمد. این پدیده، خود موجب افزایش شماره کارگران شد و بدینسان گروه‌های انبوه کارگری در محیط کارگاهها و کارخانه‌ها گرد آمد.

چون در این هنگام پشتیبانی دولت از توده کارگران و زحمتکشان هنوز انجام نشده بود، ناگزیر آنان برای حفظ منافع خویش، اندیشه ایجاد و تشکیل اتحادیه‌های کارگری را دنبال کردند. پس از این اقدام که منجر به شکل گرفتن اتحادیه‌های کارگری شد، کارگران، عضویت در این اتحادیه‌های را از جان و دل پذیرفتند؛ اما اقدامات کارگران برای سر و سامان دادن و بهبود وضع خود، با واکنش‌های تند و خشن کارفرمایان و کارگران دولتی روبرو میگردید به شیوه‌ای که کارگران برای بدست آوردن ابتدائی‌ترین حقوق انسانی مانند کاهش ساعات کار، بهانه ضرب و جرح آنها از سوی کارفرمایان و نیروهای انتظامی و کشتار گروهی از کارگران میشد. نخستین کسی که پس از انقلاب صنعتی به وضع کارگران اندیشید و نقش روابط انسانی در سازمان توجه کرد، «اون» بود.

### اونیسم<sup>۱</sup>

رابرت اون، مصلح و سوسیالیست انگلیسی در نیوتن Newtown (از توابع منتکمری شایر Montgomery shire در ویلز Wales) روز ۱۴ مه ۱۷۷۱ زاده شد. پدرش کار کم درآمدی داشت و سازنده زین و فروشنده برخی از افزارهای آهنی بود. تا ۹ سالگی به بیستان رفت. از آن پس با خواندن کتابهایی، به خودآموزی پرداخت، سپس در یک دکان کوچک پارچه‌فروشی در منچستر سرگرم کار شد. در ۱۹ سالگی به مدیریت یک کارخانه ریسندگی در منچستر Manchester که در آن ۵۰۰ نفر کار میکردند برگزیده شد. بزودی آن کارخانه را بصورت یکی از بهترین سازمانهای ریسندگی انگلستان در آورد. هنگامیکه اون به مدیریت و شرکت چارلتون تویست (Charlton Twist) در منچستر برگزیده شد، شریک خویش را به خرید کارخانه «نیولنارک» (New Lanark) نزدیک گلاسگو در اسکاتلند وادار کرد. اون که از موفقیت‌های خود در منچستر به‌شور آمده بود، بر آن شد که کارخانه نیولنارک را بر بنیاد یک رشته روشهای برگزیده، جز آنچه که در سازمانهای بازرگانی جریان داشت اداره کند.

آمار کارگران کارخانه نامبرده کمابیش دوهزار نفر بود که در میان آنها پانصد کودک خردسال از خانواده‌های تنگدست و سازمانهای نیکوکاری ادینبورگ (Edinburgh) و گلاسگو (Glas - Gow) دیده می‌شدند. البته دارنده پیشین کارخانه دیل (Dale) با کودکان بخوشی رفتار میکرد ولی رویهمرفته شرایط کلی زندگانی مردم رضایتبخش نبود.

اون اگرچه سود سرشاری از کارخانه خود برد ولی بیش از گردآوری ثروت، دلبسته آن بود که کارش را خوب انجام دهد.

تازه‌ترین روشهای فنی و جدیدترین ماشینها را در کارخانه‌ی خود به کار می‌برد و در نگاهداری آنها بسیار کوشش میکرد. کارخانه‌ی او سامانی بسزا داشت و کوچکترین کمبودی در آن دیده نمی‌شد. از دید وی شگفت‌انگیز می‌آمد که کارخانه‌داران، کاملاً مراقب ماشینها و ابزارها باشند ولی کمترین توجهی به زندگی آدمهایی که در کارخانه کار میکنند، نداشته باشند. وضع کارگران، وی را سخت متأثر ساخته بود. بین کارگران گروه بیشماری زن و کودک هم بودند که رخنهای ژنده به تن داشتند و در کلبه‌های بی‌ارزش زندگی می‌کردند، از بی‌غذائی رنج می‌بردند و ناچار بودند تا آنجا کار کنند که از نا بیفتند. وی در برابر سرگردانی همگانی، برای سامان‌دادن آنها دست‌به‌کار شد. آدمکشی و نابکاری باگسترش شرایط غیراخلاقی، همه‌جاگیر شده بود، آموزش و پرورش و بهداشت، رنگ فراموشی گرفته، وضع سکونت نیز تحمل‌ناپذیر شده بود. اون تاناندازه‌ای بسیار، شرایط مسکن آنان را بهبود بخشید و بیکبارگی با پایمردی خود، در اندیشه پرورش آنان برآمد، و خوی به پاکیزگی و امساک در آنها بیار آورد. وی فروشگاهی باز کرد که مردم میتوانستند بهترین کالاها را به‌نرخ، کمی بیشتر از بهای تمام شده آن خریداری کنند و فروش نوبابه‌ها نیز سامانی تازه گرفت.

بهرحال، بزرگترین موفقیت او در آموزش و پرورش جوانان بود که به آن دلبستگی ویژه‌ای داشت. اون در سال ۱۸۱۶ در نیولنارک (New Lanark) نخستین کودکستان را در انگلستان باهمکاری جیمز بوکانان (James Buchanan) بنیاد گذاشت، البته سرپرستی دقیق آن با خود وی بود.

کودکان از دوسالگی به مدرسه می‌رفتند و آنجا چنان دلشاد می‌شدند که کمتر به‌خانه بازمی‌گشتند در حالیکه رقباى او کارگران را روزی سیزده چهارده ساعت به کار

1- Encyclopaedia Britannica, (Volume 17-1972), page 4 and 5.

2- George Henry Soule: IDEAS of The GREAT ECONOMISTS:  
Published by the Viking Press. Copyright 1952 by George Soule.

3- Encyclopaedia Britannica, (Volume 17-1972), page 4 and 5

وامی داشتند. در نیولانارك ساعات کار ده ساعت و نیم بود. اون کودکان بیش از ده سال را در کارخانه به کارآموزی می گماشت: اون تاوان فرآورده های تباه شده را از میان برد، وسایل شادمانی و سرگرمی برای کارگران و جوهری برای بیمه ای آنان فراهم آورد. اون در همه این اندیشه ها کامیاب شد، گرچه در آغاز، مردم به نام یک آدم شکفت آور ویا دیرباوری باو می نگریستند ولی بزودی توانست خوشبینی مردم را بخود فراکشد. کارخانه نامبرده برای بدست آوردن موفقیت بازرگانی کارش را دنبال کرد، ولی برخی از برنامه های اون هزینه های کلانی می خواست که ناخشنودی شرکاء را بیار آورد. سرانجام باحالی خسته، اعمال نفوذ خویش را به خاطر شرکائی که تمایل داشتند کار را به شیوه های معمولی رهبری کنند، محدود ساخت.

اون عقیده داشت دگرگونی شرایط زندگی کارگران را به احساسات نیکخواهانه کارفرمایان فرو گذاشتن، کار بیهوده ایست؛ اینان نه میل باینکار دارند نه اینکه برایشان انجام پذیر است زیرا اضافه شدن سود کارفرما به مزد کارگر و هزینه های لازم، به اندازه ای بهای کالاها را بالا میبرد که کارگران نمیتوانستند آنچه را که ساخته اند، بخرند. تنها سازمان تعاونی، بدون بودن یک سرمایه دار میتواند سازمانی با احساسات نوع پرستانه باشد. چنانکه روش «اون» بود، برای انجام این اندیشه، بزودی دست بکار شد و به عنوان نخستین گام تصمیم گرفت سود را ۵٪ کم کند. این تصمیم برای شرکای او تحمل پذیر نبود و شرکت برچیده شد.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی

## فلسفه کئوپراتیسم

فلسفه کئوپراتیسم (مکتب تعاونی) اون یکی از ارمغانهای ارزنده ای است که در طول سالهای زندگی پرتلاش و کوشش خود بجامعه انسانی پیشکش کرده و براستی شفا بخش ترین نسخه ایست که هر اجتماع با بکارستن آن میتواند بدرمان برخی از دردهای اقتصادی، اجتماعی، مادی و معنوی خود پردازد. نکته چشمگیر، اینکه، فلسفه کئوپراتیسم اون بر روی پایه های استوار بنیاد شده است و چون خورشید فروزانی بر تارک زندگی فلسفی او می درخشد.

شخصیت و مقام اجتماعی رابرت اون در تاریخ بریتانیا درخورستایش است. درفرانسه، تنها شارل فوریه را می توان یافت که از این دیدگاه با رابرت اون همپایه می باشد؛ زیرا اون و فوریه دارای نگرش های اجتماعی همانند بوده اند. به سخنی ساده برای درک زندگی معنوی یک فرد یا یک اجتماع باید به کنه زندگی مادی آن پی برد و باید دید که شالوده

زندگی مادی شخصی یا جامعه مورد نظر برچه اصلی استوار است. کلیدی را که رابرت اون برای گشایش دشواری‌های مربوط به زندگی معنوی و اخلاقی بشر یافته و پیشنهاد می‌کند در بهبود اوضاع اقتصادی مؤثر است و به عقیده وی انسان هنگامی به درجه و منزلت شایسته معنوی خود نائل می‌شود که گذرگاه مشروعی را پیشه‌سازد و اقتصاد سالم می‌پرواند. در نتیجه جامعه‌ایکه دارای اقتصاد سالم باشد مسلماً از سیاست درست پیروی میکند و در رهگذر تکامل زندگی معنوی قرار دارد.<sup>۱</sup>

نیز جنبش کارگری انگلستان، مدیون اون میباشد. سوسیالیسم در آن کشور بیشتر از نظریه‌های کارل مارکس<sup>۲</sup>، مدیون سنت‌هایی است که اون پیادگار گذاشته، وی در کتاب «نظریه نوین درباره اجتماع» مینویسد: «از راه بکار بردن وسائل متناسب میتوان بیک نوع اجتماع، وحتی به تمام مردم دنیا از نادان‌ترین تا روشنفکرترین افراد، روش اخلاقی شایسته‌ای را یاد داد. وسائل مورد لزوم تا اندازه‌ای بسیار در دسترس کسانی که در امور زندگی مردم دارای نفوذ هستند قرار دارد.»<sup>۳</sup>

اون پس از سال ۱۸۳۴، اوقات خویش را به آموزش اندیشه‌های خود درباره عقلی کردن تربیت، اخلاق و ازدواج، صرف کرد. وی در ۱۷ نوامبر ۱۸۵۸ در زادگاه خود شهر نیوتاون Newtown انگلستان، زندگی را بدرود گفت. هرچند که اون نویسنده نبود اما آثار زیادی در شرح اندیشه‌های خود برجای گذارده که مهمترین آنها عبارتند از: «نظریه جدید درباره اجتماع» (New View of Society) و «گزارش به کمیته قوانین فقر»<sup>۴</sup>، (درباره قانون نگهداری از بینوایان) و «گزارش به بخش لارک»<sup>۵</sup>، «کتاب جهان اخلاقی نوین»<sup>۶</sup>، «انقلاب در اندیشه و عمل انسان»<sup>۷</sup> و رساله‌های پرهیاوی او تحت عنوان «سوسیالیسم چیست؟»<sup>۸</sup>

آثار اون از دیدگاه فکری بسیار ژرف نیست ولی عبارت‌های روشنی که برای روشنگری اندیشه‌های خود درباره انعطاف‌پذیری طبیعت بشر نوشته نفوذ و اثر بسیار

۱- پروفور کل : ترجمه حسین سالکی : رابرت اون مبشر نهضت تعاونی (از انتشارات

سیرغ چاپ اول - تیرماه ۱۳۴۴)، صفحات ۳۳ و ۳۴

2- Karl Marx (1818-1883).

3- George Soule: IDEAS of The GREAT Economists (Published by the Viking press Copyright 1952).

4- Report to the committee.

5- The Report to the County of Lanark.

6- The book of the New Moral World.

7- Revolution in the Mind and Practice of the Human Race.

8- What is socialism? (1841).

داشته است. بویژه در کتاب «نظریه نوین درباره اجتماع» این عقیده را به گونه‌ای روشن، بیان کرده است.

## اون و قوانین کار

نام اون در شمار سوسیالیست‌های تعاون‌طلب می‌درخشد، با وجود این نباید چنین پنداشت که تعاون تنها راه‌حل مورد نظر او بوده است. وی در کارخانه‌های نیولانارک تقریباً تأسیساتی را که بعدها در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی وارد شد، «مانند خانه‌های مسکونی کارگران با محوطه فضای سبز و سالن‌های غذاخوری و فروشگاه‌های ویژه و صندوق پس‌انداز و جزآن...» بیار آورد.

افزون بر آن، آنچه را که پیش‌بینی می‌شد در آینده دور (نیم‌سده پس از آن) ماده‌های «قوانین کار» را تشکیل دهد او ابداع کار و گام‌هایی بلند، پیش از زمانه خویش برداشت، از آن جمله:

— کاهش ساعات کار برای کارگران از ۱۷ ساعت به ۱۰ ساعت.  
— خودداری از بکار گماردن کودکان کمتر از ده سال و گشایش آموزشگاه‌های کاملاً غیرمذهبی برای آنها.

— از میان برداشتن تاوان‌های نقدی که در آن دوره معمول بود اما بزودی به این امر وقوف یافت که الگوهای او در صنعت نمی‌تواند مورد قبول کارفرمایان واقع شود، ناچار به سوی حکومت‌ها روی آورد.

اون نخست به دولت انگلستان و سپس به رهبران کشورهای بیگانه، مراجعه کرد و کوشید تا بدین وسیله اصلاحاتی را که می‌خواست از راه خوش‌پنداری طبقات حاکم، عملی سازد، از راه قانون بدست آورد. از این روی، اون برای محدود کردن کار کودکان در کارخانه‌ها به مبارزه برخاست و در وضع قانون ۱۸۱۹ که به موجب آن پائین‌ترین سن را برای پذیرش در کارخانه‌ها نه‌سالگی تعیین می‌کرد، دخالت نمود و حتی درخواست کرد شرط سن تا ده‌سالگی افزایش یابد.

اون به ایجاد محیط اجتماعی نوین می‌اندیشید و بر این عقیده بود که آموزش و پرورش و قانونگذاری و کارهای سنجیده و عقلانی مردم، محیط اجتماعی نوینی را بوجود می‌آورد. می‌گوید اگر محیط را دگرگون سازیم، کسانی هم که در آن محیط زندگی می‌کنند، دگرگون می‌شوند.

از این روی خود انسان نمی‌تواند شخصیت خویش را بسازد بلکه محیط زیست است که سازنده شخصیت او است و باز این همان بشر است که می‌بایست بایروی از روش



صحیح بساختن شخصیت خود بپردازد و آنچه‌آنکه در خور شأن و مقام انسانی میباشد زندگی کند و تنها از این راه است که وصول بیک چنین هدف بزرگی میسر میشود. این مطلب تنها ماهیت عریان جنبه‌های منفی آموزش او نیسم را آشکار میسازد. تازه در صورت پذیرفتن دلایل بیان شده، این پرسش پیش می‌آید که بدانیم محیط صحیح و سالم را چگونه ایجاد کنیم و از کجا دریا بیم که کدام فلسفه و کدام شیوه اندیشه برای رسیدن باین مقصود درست است و کوتاه سخن آنکه از کدام راه باید رفت تارستگار شد و چگونه راه‌ورسم رستگاری را به بشر نشان دهیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی